

نوع مقاله: پژوهشی

اصول و راهکارهای رهبری بحران فرهنگی در سیره حضرت موسی علیه السلام با توجه به قرآن و تورات

رضا قزی / دانشجوی دکتری ادیان و عرفان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

naqavi@iki.ac.ir

حسین نقوی / استادیار گروه ادیان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۱ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۶

چکیده

یکی از معضلاتی که می‌تواند برای سازمان‌ها و جوامع تهدید جدی محسوب شود بروز و ظهور بحران، به‌ویژه بحران‌های فرهنگی است. بر این اساس، مطالعه سیره حضرت موسی علیه السلام و بررسی اصول و راهکارهای ایشان در رهبری می‌تواند راهگشای بسیاری از سازمان‌ها در رویارویی با بحران‌های فرهنگی باشد. جامعیت اصول و راهکارهای رهبری حضرت موسی علیه السلام در سه مرحله پیش از بحران، حین بحران و پس از بحران را می‌توان با بررسی آیات قرآن کریم و مقایسه آن با تورات دریافت. برخی از اصول حاکم بر رهبری ایشان عبارت است از: تعیین جانشین شایسته، پاسخ‌گویی، پشتیبانی، تغییر ظاهر، تحول از درون، تسریع در اقدام، اطلاع‌رسانی، قاطعیت، آرامش، یادگیری از بحران، مطالعه بحران، و مقابله با بحران. همچنین برخی از راهکارهای ایشان در مراحل سه‌گانه رهبری بحران عبارت است از: تحمیل کردن، تلقین، تبیین نقاط ضعف، تبیین نقاط قوت، تصویرسازی، برجسب‌زنی، بی‌اعتبارسازی، پاک‌سازی، شفاف‌سازی، تحقیر کردن و ریشه‌کن‌سازی.

کلیدواژه‌ها: قرآن، تورات، رهبری بحران، بحران فرهنگی، سیره حضرت موسی علیه السلام، سامری.

هر نوع بحران طبیعی یا اجتماعی (انسان‌ساز) بر اثر تهدیدی پدید می‌آید؛ تهدیداتی همچون توانایی‌ها و اندیشه‌های آسیب‌زا و ممانعت دشمنان از دست‌یابی به موفقیت در جهت اهداف از پیش تعیین شده (تاجیک، ۱۳۸۴، ص ۹۴). کودتا، جنگ، آشوب خیابانی، و تهاجم فرهنگی از جمله تهدیداتی است که وضعیت ثبات، امنیت، نظم روابط سازنده، اهداف اجتماعی و دینی را تهدید می‌کند و بحران می‌سازد. بر این اساس، تهدید گاهی نظام سیاسی و زمانی نظام اقتصادی، و هنگامی فرهنگ عمومی و ارزش‌های اخلاقی یک ملت را هدف قرار می‌دهد و سبب ایجاد بحران می‌گردد.

انسان از ابتدای تاریخ حیات خود، همواره با بحران‌های گوناگون مواجه بوده است. از این‌رو راه‌های گوناگونی را برای شناخت و مقابله با آنها ابداع کرده است. اما سابقه رویکردهای علمی و تخصصی به سانحه، به دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ برمی‌گردد (رافائل، ۱۹۸۶، ص ۳۰).

قوم بنی‌اسرائیل نیز بی‌نصیب از چنین بحران‌هایی نبود. اما از میان این بحران‌ها، شیوع بحران فرهنگی در میان بنی‌اسرائیل و نقش حضرت موسی علیه السلام در مهار این بحران، موضوع مقاله حاضر را شکل می‌دهد.

این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که «اصول و راهکارهای رهبری حضرت موسی علیه السلام در مواجهه با بحران فرهنگی چه بوده است؟» پرسش‌های فرعی دیگری نیز قابل طرح است؛ از جمله: اصول رهبری حضرت موسی علیه السلام برای حل بحران فرهنگی سامری کدام است؟ رهبری حضرت موسی علیه السلام برای حل بحران فرهنگی سامری مبتنی بر چه راهکارهایی بود؟

تحقیق حاضر با بهره‌گیری از منابع مرتبط، به ارائه الگوهای رایج مدیریت بحران پرداخته، سپس با مطالعه یک نمونه از مهم‌ترین بحران‌های عصر حضرت موسی علیه السلام، الگوی مدیریت بحران فرهنگی در سیره حضرت موسی علیه السلام را تبیین کرده است. ضرورت انجام این تحقیق افزون بر بعد نظری که تبیین و ارائه یک الگوی مدیریتی موفق است، می‌تواند کاربردی نیز باشد؛ به این صورت که کشورهای اسلامی، به‌ویژه ایران برای استمرار حیات خویش، نیازمند مدیریت صحیح بحران‌های پیش‌رو هستند. بررسی و بازخوانی الگوی مدیریتی حضرت موسی علیه السلام می‌تواند الهام‌بخش مدیران و رهبران در اداره بحران‌های فرهنگی باشد.

مفهوم‌شناسی بحث

الف) «فرهنگ»

براساس نظر جامعه‌شناسان، «فرهنگ» بیانگر نگرش انسان به هستی و تفکر او درباره تمام ابعاد زندگی و دربرگیرنده رفتارها و محصولات مادی یا معنوی او همچون ارزش‌ها، هنرهارها، دانش‌ها، هنرها، عاطفه‌ها، سلیقه‌ها، آداب و رسوم و قوانین است (تاجیک، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵). «فرهنگ» مجموعه‌ای از خصوصیات مادی و معنوی است که یک جامعه یا

یک گروه اجتماعی را از دیگر گروه‌ها و جوامع متمایز می‌سازد و محدود به هنر و ادبیات نیست، بلکه شیوه‌های زندگی، همزیستی، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورها را نیز دربر می‌گیرد (رؤیایی و رسولی، ۱۳۸۷، ص ۴۵).

بسیاری از محققان «فرهنگ» را در معنای وسیعی معادل «سبک زندگی» تعریف کرده‌اند. گروهی نیز آن را اندیشه‌ها و ارزش‌ها دانسته‌اند. در جای دیگر، آن را مشخص‌کننده باورداشت‌ها، مسلک‌ها و اسطوره‌ها یعنی: صور ذهنی دسته‌جمعی یک اجتماع می‌دانند که به تعبیری عوامل روحی و روانی آن جامعه است. به بیان دیگر، فرهنگ، عناصر زیادی را در سطوح گوناگون، از جمله عقاید، عواطف، ارزش‌ها، هدف‌ها، کردارها، تمایلات و اندوخته‌ها دربر می‌گیرد (کاوسی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۱۲). به نظر می‌رسد که فرهنگ بر مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و رفتارهای یک جامعه اطلاق می‌شود.

(ب) «رهبری»

در فرهنگ‌های لغت، «رهبر» را همان «راهبر و فرمانده» معنا کرده‌اند؟ در عین حال، پژوهشگران مفهوم «رهبری» را با «مدیریت» یکی نمی‌دانند؛ زیرا برای رهبری مفهوم وسیع‌تری از مدیریت قائل‌اند (فایرستون، ۲۰۲۰، ص ۱۷). همچنین در رهبری، اهداف فراسازمانی مدنظر است، برخلاف مدیریت که صرفاً سازمانی است. دیگر آنکه نفوذ و دوام دستورات رهبری در مقایسه با مدیر به مراتب بیشتر است. بنابراین در نوشتار حاضر، برای اداره بحران‌های عصر حضرت موسی علیه السلام از اصطلاح «رهبری بحران» (Leadership Crisis) که فراتر از «مدیریت بحران» (Management Crisis) است، استفاده می‌کنیم.

(ج) «بحران»

خاستگاه واژه «بحران» در زبان‌های غربی به ریشه یونانی «krisis» بازمی‌گردد که همزمان متضمن دو مفهوم «بحران» (Crisis) و «بازخورد و مقابله» (Critique) است. در برخی منابع، ریشه این واژه به کلمه یونانی «krinein» به معنای جداکردن، سواکردن (کریگر، ۱۹۹۶، ص ۲۰۵)، قضاوت کردن، تشخیص دادن، فهمیدن، پی‌بردن، (ریس، ۱۹۹۶، ص ۱۴۹) غربال کردن و زیر و رو کردن (ماوتنکر، ۱۹۹۶، ص ۸۸) ارجاع داده شده است.

برای تعریف اصطلاحی «بحران»، پیرسون و میتراف عقیده دارند: بحران از هم‌گسیختگی است که به‌صورت فیزیکی بر کل یک سیستم اثر می‌گذارد و مفروضات پایه‌ای، احساس وجود ذهنی و محور حیاتی وجود آن را تهدید می‌کنند (میتراف و همکاران، ۱۹۹۲، ص ۴۳).

در تعریف دیگری آمده است: «بحران سازمانی یک رویدادی است که با احتمال کم و تأثیر زیاد، تداوم حیات سازمانی را تهدید می‌نماید و از طریق مبهم بودن علل، آثار و راه‌حل‌ها مشخص می‌شود. همچنین این باور وجود دارد که در موقعیت بحران، تصمیم‌سازی باید به سرعت انجام بگیرد» (پیرسون و کلایر، ۱۹۹۸، ص ۶۰).

در مجموع، می‌توان گفت: بحران حادثه‌ای است که به‌طور طبیعی، همچون سیل و زلزله یا توسط بشر مانند جنگ به‌طور ناگهانی یا به طرز فزاینده‌ای به‌وجود می‌آید و سختی و مشقتی بر انسان یا جامعه تحمیل می‌کند که باید برای برطرف کردن آن اقدامات اساسی و فوق‌العاده‌ای انجام گیرد.

د) «بحران فرهنگی»

بحران‌های فرهنگی خطرهایی هستند که بر اثر حرکت‌های نرم درون یک اجتماع، با هدف قرار دادن زیرساخت‌های فکری و اعتقادی، تعادل امنیت و سلامت اجتماعی را به‌طور جدی تهدید می‌کنند. بنابراین ماهیت و منشأ اجتماعی دارند و به تدریج به صورت تعارض‌های اجتماعی، ناآرامی، فشارهای برهم زنده، شورش‌ها و اعتصاب‌های بی‌مهار برای درخواست‌های فرهنگی و همانند آن ظاهر می‌شوند (قدیری ابیانه، ۱۳۸۵، ص ۲۴).

ه) «رهبری بحران»

«رهبری بحران» نقشه‌ای برای به‌حداقل رساندن آسیب بحران است و حتی گاهی می‌تواند بکلی موجب از بین رفتن یک بحران احتمالی شود (مادزارو، ۲۰۰۶، ص ۸). استیون فینک «رهبری بحران» را این‌گونه توصیف می‌کند: «هنر از بین بردن خطراتی که باعث می‌شود شما بتوانید بر سرنوشت خود مسلط شوید» (دولین، ۲۰۰۷، ص ۱۶۱).

در تعریفی دیگر، هرگونه زمینه‌سازی برای پرهیز از بحران، جست‌وجوی متفکرانه بحران، خاتمه و مهار بحران در جهت تأمین منافع رهبری بحران به‌شمار آمده است (هریسون و کارون، ۱۳۷۸، ص ۱۷). به‌طور کلی، وظیفه رهبری بحران کنترل بحران در زمان کوتاه با استفاده از بهترین اصول و روش‌هاست. می‌توان گفت: رابطه بحران با رهبری بحران عبارت است از: بهینه‌سازی شرایط برای مقابله با بحران و به حداقل رساندن خسارات ناشی از بحران (سی‌گر و همکاران، ۱۹۹۸). از این‌رو بدیهی است که رهبری بحران، ابعاد گوناگون و گسترده‌ای داشته باشد. برخی آن را برنامه‌ای برای کاهش ظرفیت خرابی و گاهی حذف عوامل ایجادکننده بحران معرفی می‌کنند (وردی‌نژاد و بهرامی رشتیانی، ۱۳۸۸، ص ۵۹).

با توجه به تعاریف مزبور، رهبری نقش هدایتگری در سازمان و اجتماع دارد. رهبری مؤثر در بحران به این است که بتواند با قدرت نفوذی که بر افراد دارد از بروز بحران فرهنگی جلوگیری نماید و در صورت بروز بحران، با به‌کارگیری بهترین اصول و شیوه‌ها، سازمان را از بحران خارج سازد.

و) «مداخله‌گرهای بحران»

مداخله‌گرها عواملی هستند که در ایجاد، استمرار و تشدید بحران مؤثرند و برحسب شکل‌ها و انواع بحران‌ها، مداخله‌گرهای فراوانی می‌توانند در صحنه و پشت صحنه حاضر و در ماهیت آن نقش مؤثری داشته باشند.

شناسایی مداخله‌گرها کمک قابل توجهی به تشخیص و حل بحران می‌کند. مداخله‌گرها را می‌توان به دو گروه مداخله‌گرهای «آشکار» و «پنهان» تقسیم نمود. مداخله‌گرهای آشکار عوامل ظاهری و آشکار در روند بحران هستند که شناسایی آنها در مراحل اولیه به سادگی انجام می‌شود؛ اما مداخله‌گرهای پنهان به سادگی قابل شناسایی نیستند، بلکه باید از طریق جمع‌آوری، پردازش و تحلیل اطلاعات دقیق، ابتدا نشانه‌های آنها را شناسایی و سپس در مراحل بعدی آنها را تحلیل کرد (همان، ص ۵۰).

چهارچوب مفهومی پژوهش

مجموعه اقداماتی که توسط رهبران برای کنترل و حل بحران انجام می‌شود در سه دسته اقدامات پیش از بحران، حین بحران و پس از بحران قابل طرح و بررسی است. رهبرانی که در شرایط ناپایدار محیطی و آکنده از عدم اطمینان فعالیت می‌کنند بر این نکته واقفند که هریک از اقدامات مذکور برای کنترل و حل بحران از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند (تیلور و کنت، ۲۰۰۷). این مجموعه اقدامات سه‌گانه در رهبری بحران، به‌مثابه یک سیستم، ارتباط تنگاتنگی با هم دارند، به‌گونه‌ای که بی‌توجهی به یک نوع از اقدامات می‌تواند باعث غلبه بحران شود. به‌عبارت دیگر، رهبری بحران باید به هریک از این اقدامات سه‌گانه در برنامه‌های راهبری بحران توجه داشته باشد؛ زیرا هریک از این اقدامات سه‌گانه نقش بسزایی در کنترل بحران‌های پیش‌رو خواهد داشت.

بحران فرهنگی عصر حضرت موسی ﷺ

در زمان رسالت حضرت موسی ﷺ عواملی مانند به استضعاف کشیده شدن قوم بنی‌اسرائیل توسط فرعونیان و فقدان رشد معرفتی در آنان سبب شد تا مردم از میان ابزارهای معرفت، تنها به حس رو بیاورند. آنان از آب‌های دریا فاصله نگرفته بودند که گفتند: «يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ» (اعراف: ۱۳۸)؛ یعنی خدایی مانند خدایان آنان برای ما قرار بده. آنان به‌دنبال خدایی محسوس بودند! با توجه به آیات و روایات فراوان، به‌نظر می‌رسد به‌کارستن عقل و باقی ماندن در جهل مهم‌ترین عامل بروز بحران فرهنگی قوم بنی‌اسرائیل بوده است. بدین‌روی قرآن کریم در همین واقعه از قول حضرت موسی ﷺ آنان را «قوم جاهل» می‌خواند: «... قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» (اعراف: ۱۳۸).

در ادامه، وقتی حضرت موسی ﷺ به میقات رفت، بحران گوساله‌پرستی رخ داد. بنابراین، بحران فرهنگی قوم حضرت موسی ﷺ عمیق‌تر از نیازهای احساس گرسنگی و تشنگی بود. بحران واقعی مربوط به ارزش‌های بنی‌اسرائیلی بود (سرانو، ۲۰۲۰، ص ۳۰).

راهکارهای حضرت موسی ﷺ در رهبری بحران فرهنگی

حضرت موسی ﷺ برای حل بحران فرهنگی، در هریک از مراحل مذکور، راهکارهایی را به‌کار گرفت. این راهکارها براساس هریک از مراحل در ذیل، تحلیل و واکاوی شده است:

اول. رهبری پیش از بحران

«رهبری پیش از بحران» شامل اصول و راهکارهایی است که رهبران قبل از رخ دادن بحران، به آن توجه می‌کنند و شیوه‌های بازدارنده‌ای را به‌منظور جلوگیری از روی دادن بحران انجام می‌دهند. در سیره حضرت موسی علیه السلام برای رهبری بحران فرهنگی، پیش از وقوع آن، برخی از اصول و راهکارها قابل مشاهده است:

۱. اصل تعیین جانشین شایسته

حفظ وحدت اجتماعی و جلوگیری از ایجاد اختلاف و خونریزی بین مردم، یک مصلحت اجتماعی است. تجربه نشان داده است که بیشتر کودتاها، اغتشاشات و درگیری‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که رهبری به هر علت در میان مردم جامعه‌اش حضور ندارد. بنابراین، اصل اولیه حکم می‌کند که رهبر در صورت غیابش جانشینی برای خود نصب کند تا از بحران‌های بعدی جلوگیری نماید، اگرچه در عمل، در بسیاری از مواردی که جانشین نیز تعیین گردیده، جامعه دچار اغتشاش و کشمکش شده است.

حضرت موسی علیه السلام، برادرش هارون را به‌جای خویش نصب کرد (اعراف: ۱۴۲)؛ اما باز بحران گوساله‌پرستی رخ داد. با وجود این، وحدت که اصلی مهم‌تر است، حفظ شد؛ به این دلیل که هارون در پاسخ حضرت موسی علیه السلام که پرسید: چرا مانع گوساله‌پرستی قوم نشدی؟ جواب داد: «إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي». از عبارت «لَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي» فهمیده می‌شود که سفارش اصلی حضرت موسی علیه السلام به حضرت هارون این بود که مبدا بگویی میان قوم من تفرقه افکندی. اما بنابر برخی فقرات تورات، حضرت هارون منشأ بحران شد تا تفرقه ایجاد نگردد و همین بحران نیز عامل کشتار عده زیادی بعد از بحران شد.

راهکار: اجتناب از واگذاری مسئولیت به افراد بحران‌آفرین

این اقدام بازدارنده بحران، در سیره حضرت موسی علیه السلام نیز قابل مشاهده است. در زمان حضرت موسی علیه السلام نیز مفسدان توطئه‌گری بودند که آن حضرت نگران آنها بود و به هارون سفارش می‌کرد: نگذار زمام امور را به‌دست گیرند و خواسته یا ناخواسته دنباله‌رو آنان شوی! (اعراف: ۱۴۲). علاوه بر اینکه ایشان برادرش را نصب کرد، شرح وظایفش را هم تبیین نمود. عدم واگذاری مسئولیت به جانشینی به افراد شایسته سبب شد افرادی مانند سامری، رهبری را وسیله‌ای برای استماعت فردی قرار دهند و موجب بروز بحران‌های غیر قابل کنترلی شوند. بدین‌روی حضرت موسی علیه السلام برای رهبری بحران، با انتصاب شایسته، کوشید تا به اقدامات بازدارنده و پیش از بحران توجه کند.

۲. اصل پاسخگویی

«پاسخگویی» تعهد در قبال مسئولیت واگذار شده است (بولز و داوونپورت، ۱۹۷۵، ص ۳۵). به‌عبارت دیگر، «پاسخ‌گویی» یعنی اینکه فرد سرزنش یا ستایش ناشی از اخذ یک تصمیم یا انجام یک اقدام را بپذیرد (هیوز، ۱۳۷۷، ص ۲۸۴). یکی از مهم‌ترین مبانی اصل پاسخ‌گویی «نظارت» است، به‌گونه‌ای که بدون وجود نظارت،

پاسخ‌گویی معنا پیدا نمی‌کند. حضرت هارون گماشته شده بود تا فساد را پیش نیاید و در صورت شکل گرفتن، آن را اصلاح نماید. او در حفظ وحدت موفق بود، اما در حوزه عبودیت خدا موفق نشد. به همین سبب، حضرت موسی (ع) در این زمینه هارون را مؤاخذه کرد (طه: ۹۲ و ۹۳؛ خروج، ۳۲: ۲۱). البته بنابر فقرات تورات، حضرت هارون سبب شد در اثر گوساله‌پرستی قوم، قریب سه‌هزار تن از آنها به مسلخ قتل وارد شوند و در اثر ارتداد، گروهی اعدام شوند.

راهکار ۱. ایجاد تشکیلات

حقیقت پاسخ‌گویی به مفهومی که بیان شد چنین است که فرد در جایگاه مسئولیتی خود، با توجه به حیثه و وظایف و اختیارات تعیین شده، باید عملکرد خود را به گونه‌ای ارائه دهد که در برابر مطالبات مقام مافوق و مردم، در هر شرایطی جوابگو باشد و بتواند از کارنامه خود دفاع کند. حضرت موسی (ع) از هارون پرسید: «یا هارونُ ما مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي؟ ای هارون! چه چیزی مانع شد هنگامی که دیدی آنها گمراه شدند از من پیروی کنی؟ آیا فرمان مرا عصیان نمودی؟» (طه: ۹۲-۹۳). اما در عهد عتیق نیز آمده است: «موسی به هارون گفت: این قوم به تو چه کرده بودند که گناه عظیمی برایشان آوردی؟» (خروج، ۳۲: ۲۱). این در حالی است که داستان در قرآن به گونه‌ای پیش می‌رود که نشان می‌دهد حضرت موسی (ع) دفاع هارون را پذیرفته است.

راهکار ۲. ارتباط دائم و بی‌واسطه با مردم

برای ارائه کارنامه و دفاع از عملکرد و قرار گرفتن در مقام پاسخ‌گویی، از شیوه‌های متنوعی می‌توان استفاده کرد. یکی از این راهکارهای اساسی، داشتن ارتباط مستمر و بی‌واسطه با مردم است. حضرت هارون (ع) ارتباطی بی‌واسطه با بنی اسرائیل داشت. بنابر گزارش عهد عتیق، مردم مستقیماً از جناب هارون درخواست خدا کردند. «و چون قوم دیدند که موسی در فرود آمدن از کوه تأخیر نمود، قوم نزد هارون جمع شده، وی را گفتند: برخیز و برای ما خدایان بساز که پیش روی ما بخرامند» (خروج، ۳۲: ۱). این گزارش نشان می‌دهد که ارتباط میان رهبر و مردم نزدیک بوده است. قرآن کریم نیز از زبان حضرت هارون به قوم می‌فرماید: «ای قوم من! شما به این وسیله در معرض آزمایش قرار گرفته‌اید. پروردگار شما خداوند رحمان است. پس، از من پیروی کنید و فرمانم را اطاعت نمایید!» (طه: ۹۰)، که همین ارتباط را نشان می‌دهد.

۳. اصل پشتیبانی

پشتیبانی بحران یکی از اصول اساسی رهبری بحران است. پشتیبانی از گروه عملیاتی بحران نقش اساسی و تعیین کننده‌ای در زنجیره تأمین و پشتیبانی رهبری بحران بر عهده دارد که در صورت اختلال در ایفای این نقش، کل فرایند کنترل و مهار بحران با مشکل روبه‌رو شده، دچار اختلال خواهد شد. خداوند متعال در ادامه به رهبری بحران توسط حضرت موسی (ع) اشاره می‌کند که ما نه تنها اطلاعات مفید در اختیار موسی (ع) قرار دادیم، بلکه امکانات و ابزار لازم برای کنترل آن را نیز در اختیار ایشان گذاردیم: «آتَيْنَا مُوسَى سُلْطَانًا مُّبِينًا» (نساء: ۱۵۳). علامه طباطبائی

ذیل آیه شریفه می‌نویسد: منظور از «سلطان مبین» این است که آن جناب را بر گوساله‌پرستان و بر سامری و گوساله‌اش مسلط کرد (طباطبائی، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص ۱۳۰).

این اطلاعات‌دهی و پشتیبانی در عهد عتیق نیز بیان شده است: «و یهوه به موسی گفت: روانه شده، به زیر برو؛ زیرا که این قوم تو که از زمین مصر بیرون آورده‌ای، فاسد شده‌اند... گوساله ریخته شده برای خویشتن ساخته‌اند... و یهوه به موسی گفت... و اکنون مرا بگذار تا خشم من بر ایشان مشتعل شده، ایشان را هلاک کنم...» (خروج، ۳: ۷-۱۰).

۴. اصل تحول از درون

اصل «تحول از درون» بیانگر آن است که باید به فکر تحول درونی افراد بود. مطابق این ویژگی، آنچه در باطن انسان است در ظاهر، نقش می‌آفریند. براساس این ویژگی، یکی از اصول تربیت باید ناظر به ایجاد تحول باطنی باشد. بنابراین برای پیشگیری از رفتارهای ناپه‌نجان و بحران‌های اجتماعی، از قبیل گوساله‌پرستی باید زیرساخت‌های فکری و بینشی قوم تغییر کند. در غیر این صورت در زمان کوتاهی ممکن است به مسیر اولیه بازگردند.

راهکار ۱. بصیرت‌افزایی

یکی از روش‌های مؤثر - بنابر اصل تحول درونی - «بصیرت‌افزایی» است. در این روش، تلقی آدمی از امور متحول می‌شود؛ زیرا نوع تلقی و نحوه ارزیابی امور، یکی از مبانی اثرگذار در نوع رفتارها و کردارهاست. در قرآن کریم آیات فراوانی را می‌توان یافت که با این روش انطباق دارد. گستردگی آیات در این روش، به اندازه‌ای است که شاید بتوان گفت: بیشتر آیات قرآن کریم مأمور به اعطای بینش هستند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۵، ج ۲۰، ص ۴۳۲). در ذیل، به برخی آیات قرآن و فقرات تورات درباره بصیرت‌افزایی اشاره می‌شود:

قرآن کریم می‌فرماید: «موسی گفت: قطعاً می‌دانی که این (معجزات) را جز پروردگار آسمان‌ها و زمین برای بصیرت شما نفرستاده است» (اسراء: ۱۰۲) «و به تحقیق بعد از آنکه نسل‌های نخستین را نابود ساختیم، به موسی کتاب عطا کردیم تا برای بصیرت مردم و هدایت و رحمت باشد» (قصص: ۴۳).

در سفر «خروج» آمده است: «و یهوه به موسی گفت: بامدادان برخاسته، پیش روی فرعون بایست و به وی بگو: یهوه خدای عبرانیان چنین می‌گوید: قوم مرا رها کن تا مرا عبادت نمایند؛ زیرا در این دفعه تمامی بلایای خود را بر دل تو و بندگانت و قومت خواهم فرستاد تا بدانی که در تمامی جهان مثل من نیست» (خروج، ۹، ص ۱۳) و «یهوه قوت و تسبیح من است و او نجات من گردیده است. این خدای من است، پس او را تمجید می‌کنم. خدای پدر من است پس او را متعال می‌خوانم. یهوه مرد جنگی است. نام او یهوه است. ارابه‌ها و لشکر فرعون را به دریا انداخت. مبارزان برگزیده او در دریای قزم غرق شدند» (خروج، ۱۵: ۲-۴).

راهکار ۲. دعوت به ایمان

«ایمان» به معنای باور و بینشی است که در عمق وجود انسان رسوخ یابد. از این رو، جایگاه ایمان نه در وجود ظاهری آدمی، بلکه در عمق وجود اوست. بنابراین، جایگاه ایمان قلب انسان هاست و ایمان گره و عقده قلبی است. در برخی احادیث آمده است: ایمان عبارت از اعتقاد قلبی، اقرار به زبان و عمل با اعضا و جوارح است (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱۰، ص ۳۶۶). در برخی دیگر، ایمان، همان باور قلبی است، و اقرار به زبان و عمل به جوارح به مثابه دلیل و علامت ایمان شمرده می‌شوند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۳۸).

روش «دعوت به ایمان» به منظور ایجاد تحولی باطنی است، و هرگاه چنین تحولی رخ دهد آثار آن بر ظاهر آدمی و اعمال وی پدیدار خواهد شد.

قرآن کریم خطاب به اهل ایمان می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبرش و کتابی که بر او نازل کرده و کتبی که پیش از این فرستاده است، ایمان بیاورید» (نساء: ۱۳۶).

در عهد عتیق نیز فقرات زیادی در خصوص دعوت به ایمان وجود دارد: «و گفت: هرآینه اگر قول یهوه خدای خود را بشنوی و آنچه را در نظر او راست است بجا آوری و احکام او را بشنوی و تمامی فریض او را نگاه داری همانا هیچ‌یک از همه مرض‌هایی را که بر مصریان آورده‌ام بر تو نیاورم؛ زیرا که من یهوه شفا دهنده تو هستم» (خروج، ۱۵: ۲۶).

۵. اصل آزمایش

قرآن کریم در برخی آیات، به موضوع «بتلا» اشاره کرده است و آن را از الزامات زندگی هر فرد و اجتماعی می‌شمارد تا مؤمنان واقعی از مدعیان دینداری مشخص گردند. این آزمایش، هم شامل انبیا (بقره: ۱۲۴) و هم غیر انبیا (انسان: ۲)، هم افراد (اسراء: ۶۰) و هم امت‌ها (قمر: ۲۷؛ بقره: ۴۹) می‌شود. بنی اسرائیل بارها با سنت «آزمایش» ارزیابی شده‌اند (بقره: ۴۹؛ اعراف: ۱۴۱؛ ابراهیم: ۶) (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۸۴ و ج ۲، ص ۱۸۵).

مفسران قرآن به شکل‌های گوناگون به این اصل اشاره نموده‌اند؛ از جمله:

- تربیت انسان‌ها و دعوت ایشان به سوی حسن عاقبت و سعادت (طباطبائی، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۱۶).
- تشریح اوامر و نواهی و جعل تکالیف برای مردم (فخر رازی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۸؛ قاسمی، ۱۳۹۸ق، ج ۹، ص ۹۷).

- تمرین دادن و آماده ساختن بندگان (آلوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۶، ص ۲۰۷).

- ایجاد شناخت و معرفت در قلب انسان (همان، ص ۲۰۸).

- بخشیدن صبر و مقاومت در برابر مشکلات (همان، ج ۲۶، ص ۲۰۸).

در یک جمع‌بندی، شاید بتوان گفت: آزمایش در فرهنگ قرآن، قرار دادن انسان‌ها در بستر حوادث گوناگون تلخ و شیرین با هدف رسیدن آنان به کمال شایسته‌شان است.

در عهد عتیق نیز به این اصل اشاره شده است: «و یهوه به موسی گفت: تا به کی این قوم مرا اهانت نمایند؟ و تا به کی با وجود همه آیاتی که در میان ایشان نمودم، به من ایمان نیاورند؟ ایشان را به وبا مبتلا ساخته، هلاک می‌کنم و از تو قومی بزرگ و عظیم‌تر از ایشان خواهم ساخت» (اعداد، ۱۴: ۱۱-۱۲).

راهکار: ابتلا

در این راهکار، باید فرد بتواند با وجود بحران‌ها و نامایمات، خود مبدأ حرکت و شکل‌گیری خویشتن قرار گیرد. در راهکار «ابتلا» مقاومت در برابر شرایط نامطلوب و سخت و پیروی از الزام‌های درونی خود، مفروض است؛ یعنی فرد مبتلا را به کام بلا و بحران می‌افکند و او باید به مواجهه با آن برخیزد، تا جایی که کار را با موفقیت به پایان برساند. این ایستادگی در متن ابتلا، سبب شکوفایی و ثمردهی فرد یا افراد مبتلا می‌شود. همان‌گونه که حضرت ابراهیم علیه السلام با ابتلائات خود که خداوند در مسیرش قرار داد، توانست از آن موقعیت‌ها به خوبی عبور کند (پیدایش، ۲۲: ۱)، خداوند به حضرت موسی علیه السلام اطلاع داد که بعد از آمدنت به میقات، قومت را امتحان کردیم و سامری آنها را گمراه کرد (طه: ۸۵). البته حضرت هارون نیز به آنها تذکر داده بود که در معرض ابتلا هستید، اما آنها توجهی نکردند (طه: ۹۰). در عهد عتیق آمده است: «و یهوه قوم را مبتلا ساخت» (خروج، ۳۲: ۳.۵).

دوم. رهبری حین بحران

برخی از اصول و راهکارهای رهبری که در مسائل بحرانی مد نظر قرار می‌گیرند، مربوط به زمانی هستند که بحران ایجاد شده است. به‌رغم پیش‌بینی‌های لازم - به هر صورت - در غیاب حضرت موسی علیه السلام ماجرای سامری به وقوع پیوست و مخاطراتی برای نظام نوپای دینی ایجاد کرد. در اینجا، حضرت موسی علیه السلام از طریق رهبری حین بحران، درصدد برآمد تا بحران ایجاد شده را مهار نماید. برخی از مهم‌ترین اقداماتی که در رهبری حین بحران در سیره حضرت موسی علیه السلام مطرح است، ذکر می‌شود:

۱) اصل تسریع در اقدام

خبر انحراف قوم به حضرت موسی علیه السلام داده شد (طه: ۸۵). قرآن بلافاصله با تعبیر «فرجع موسی» (طه: ۸۶) بیان می‌کند که ایشان بی‌درنگ به سوی قومش بازگشت.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رهبری حین بحران سرعت در اقدام در مواجهه با تغییرات ناگهانی است. به هر میزان که فاصله زمانی انحراف و جلوگیری از آن کاهش یابد، اطمینان رهبر از کارایی راهبری‌اش در بحران افزایش می‌یابد. اگر اقدام در زمان مناسب و مقتضی انجام نگیرد، فاقد ارزش است یا - دست‌کم - ارزش چندانی نخواهد داشت.

در عهد عتیق نیز به این سرعت عمل سفارش شده است: «و یهوه مرا گفت: برخاسته، از اینجا به زودی فرود شو...» (تثویه، ۹: ۱۲).

راهکار ۱) اولویت بندی امور

بی توجهی به کارهایی که انجام آنها رهبر را به اهدافش نزدیک می کند، می تواند مشکلاتی جدی و عمیق، با اثراتی نسبتاً طولانی برای او ایجاد کند. حتی ممکن است عدم رعایت آن، خودش بحران جدیدی به دنبال داشته باشد.

از این رو ابتدا حضرت موسی (ع) به سراغ قوم رفت: «فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ» (طه: ۸۵). بعد از آن به سراغ مسئول فرهنگی رفت: «قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ» (طه: ۹۲). در مرحله بعد، سراغ عامل بحران شتافت: «قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ» (طه: ۹۵). در گام آخر، سراغ امحای اصل فتنه و بحران رفت: «وَأَنْظِرْ إِلَى إِلَهِكَ الَّذِي ظَلَمْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُْحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا» (طه: ۹۷).

در عهد عتیق ترتیب اقدامات این گونه است: ابتدا بت را نابود کرد: «و گوساله ای را که ساخته بودند، گرفته به آتش سوزانید و آن را خرد کرده، نرم ساخت» (خروج، ۳۲: ۲۰). پس از آن هارون را خطاب قرار داد: «و موسی به هارون گفت: این قوم به تو چه کرده بودند که گناه عظیمی بر ایشان آوردی؟» (خروج، ۳۲: ۲۱). و در آخر قوم را خطاب قرار داد.

راهکار ۲) استفاده از روش های مقتضی

در بسیاری از اوقات، استفاده از امکانات گوناگون می تواند رهبر را سریع تر به کنترل بحران برساند. یکی از اهداف حضرت موسی (ع) از رفتن به میقات، گرفتن الواح بود. قرآن کریم می فرماید: همین که حضرت موسی (ع) صحنه گوساله پرستی را دید با حالت تأسف شدید به قوم خطاب کرد و الواح را به زمین زد و موهایی هارون را گرفت (اعراف: ۱۵۰). همه این امور برای نشان دادن عمق فاجعه و برای سرعت بازگشت از آن است. در عهد عتیق نیز بدون اشاره به گرفتن موی هارون آمده است: «خشم موسی مشتعل شد و لوح ها را از دست خود افکنده، آنها را زیر کوه شکست» (خروج، ۳۲: ۱۹).

۲) اصل آگاهی و اطلاع رسانی

یکی از اصول حاکم بر رهبری بحران، تعلیم و یادآوری ابعاد شکل گیری بحران به مردم است، تا از این طریق اذهان گرفتار در بحران را از شک خارج سازد و بتوانند در فضایی روشن تصمیم درست بگیرند. در واقع، آموزش ها سبب می شود کسانی که قبلاً می گفتند: «ما همچنان نزد گوساله می مانیم تا موسی به سوی ما بازگردد» (طه: ۹۱)، «هنگامی که حقیقت به دستشان افتاد و دیدند گمراه شده اند، گفتند: اگر پروردگار به ما رحم نکند و ما را نبخشد مسلماً زیانکار خواهیم بود» (اعراف: ۱۴۹). در عهد عتیق نیز آمده است: «موسی به قوم گفت: شما

گناهی عظیم کرده‌اید. اکنون نزد یهوه بالا می‌روم، شاید گناه شما را کفاره کنم» (خروج، ۳۲: ۳۰). این همان آگاهی‌بخشی به قوم است، نسبت به کاری که کرده‌اند.

۳) اصل قاطعیت

از ویژگی‌های رهبران الهی، بی‌پروایی در اجرای فرهنگ توحیدی و برخورد قاطع با دشمنان راه حقیقت است. آیات قرآن کریم نشان می‌دهد واکنش حضرت موسی علیه السلام ابتدا پرسشگری توبیخی، سپس توبیخ عملی هارون بود. حضرت موسی علیه السلام به برادرش گفت: «ای هارون! چه چیزی مانع شد هنگامی که دیدی آنها گمراه شدند، از من پیروی کنی؟ آیا فرمان مرا عصیان نمودی؟» (طه: ۹۲ و ۹۳). در ادامه، ایشان الواح را انداخت و سر هارون را گرفت (اعراف: ۱۵۰). این تعبیر در عهد عتیق نیز البته بدون اشاره به گرفتن سر هارون آمده است (خروج، ۳۲: ۲۰). انداختن الواح و گرفتن سر هارون، برای خشکاندن ریشه این انحراف و بیدار کردن مغزهای خفته بنی‌اسرائیل از غفلت و جهالت و هشدار به آنان نسبت به عواقب این عمل زشت بود. بدون این واکنش شدید، آنان هیچ‌گاه به اهمیت و عمق خطای راهبردی خویش پی نمی‌بردند و ممکن بود آثار بت‌پرستی در اذهان آنان بماند.

راهکار ۱) استفاده از زبان بدن

«وضعیت بدن» و «زبان بدن» دو مؤلفه مهم در برخورد قاطعانه با افراد زبردست رهبر است. وقتی درباره اشتباه و یا انحراف کسی صحبت می‌شود، مستقیماً و بدون واسطه باید با همان فرد خاص صحبت گردد و حتی حالت چهره نیز با پیام ارسالی رهبر همخوانی و هماهنگی داشته باشد.

در بحران سامری، حالت‌ها و صحبت‌های حضرت موسی علیه السلام زمان پایین آمدن از کوه طور قابل ملاحظه است: «رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ»، «أَسْفَافًا»، «أَلْقَى الْأَلْوَابِحَ» (اعراف: ۱۵۰)، «وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ»، «يَجْرُهُ إِلَيْهِ». همچنین موقع صحبت کردن؛ به دقت افراد را با نام صدا می‌زد و جرمشان را می‌گفت: «قَالَ يَا قَوْمِ...» (طه: ۸۶)؛ «قَالَ يَا هَارُونَ...» (طه: ۹۲)؛ «قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ» (طه: ۹۵).

نکته آخر آنکه نباید رهبر، بین طرف‌های درگیر بحران فاصله بیندازد. حضرت موسی علیه السلام در آیات ۸۶-۸۹ با قوم خود صحبت می‌کند. از آیه ۹۰ تا ۹۴ با هارون سخن می‌گوید و در پایان خطابش با سامری است. در عهد عتیق نیز با اختلافاتی جزئی اصل داستان همین‌گونه است.

راهکار ۲) انتقاد از رفتار، نه از افراد

در قرآن کریم، حضرت موسی علیه السلام در این ماجرا فرمود: «ای قوم من، شما با ساختن گوساله، برخود ستم کردید. پس به درگاه آفریننده خود توبه کنید» (بقره: ۵۴). «ای قوم من، آیا پروردگارتان به شما وعده نیکو نداد...؟ که با وعده من مخالفت کردید؟» (طه: ۸۶).

در عهد عتیق نیز آمده است: «موسی به قوم گفت: شما گناهی عظیم کرده‌اید. اکنون نزد یهوه بالا می‌روم، شاید گناه شما را کفاره کنم» (خروج، ۳۲: ۳۰).

راهکار ۳) استفاده از ضمیر متکلم

پیام‌ها و صحبت‌ها باید مالکانه باشد، نه تو کیلانه. حضرت موسی علیه السلام خطاب به قوم گفت: «قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعُدًّا حَسَنًا... فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي» (طه: ۸۶). و به هارون فرمود: «أَلَا تَتَّبِعُنَّ أَفْئِصَتَ أَمْرِي» (طه: ۹۳). سامری را مخاطب قرار داد: «وَأَنْظِرْ إِلَى إِلَهِكَ... لِنَحْرِقَهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا» (طه: ۹۷) (خروج، ۳۲: ۲۷).

راهکار ۴) پرهیز از قضاوت و تأکید بر حقایق

برای نمونه، رهبر به جای اینکه بگوید: «نامه‌ای که نوشته‌ای بسیار هتاکانه است» بگوید: «نامه شما نیاز به بازنگری دارد». حتی شکل اصلاح شده آن را هم نیز تعیین نماید. حضرت موسی علیه السلام خطاب به قومش فرمود: «ای قوم من، آیا پروردگارتان به شما وعده نیکو نداد؟ آیا این مدت بر شما طولانی می‌نمود، یا خواستید خشمی از پروردگارتان بر شما فرود آید که با وعده من مخالفت کردید؟» (طه: ۸۶). قومش پاسخ دادند: «ما به اختیار خود با تو خلف وعده نکردیم... طرح سامری بود» (طه: ۸۷). حضرت در پاسخ آنان فرمود: «مگر نمی‌بینند که [گوساله] پاسخ سخن آنان را نمی‌دهد و به حالشان سود و زبانی ندارد؟» (طه: ۸۹).

سوم. رهبری بعد از بحران

۱. اصل آرامش

بحران‌ها معمولاً وضعیت معمول را آشفته و پیچیده می‌کنند. از این رو، رهبر پس از مهار بحران باید سعی کند تا وضعیت عادی و طبیعی را به مجموعه بحران زده بازگرداند. بر این اساس، برقراری نظم و ایجاد آرامش یکی از اقداماتی است که حضرت موسی علیه السلام در بحران سامری به آن توجه کرد. حضرت موسی علیه السلام با وجود تمام عصبانیت‌اش، لحن کلام را عوض کرد و گفت: «يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعُدًّا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي» (طه: ۸۶). در واقع خطاب آنها با «قوم من» و گفت‌وگو با قوم منحرف به صورت استفهام، مؤثرتر از جمله اثباتی است.

در تورات نیز آمده است: «روز بعد موسی به قوم گفت: شما مرتکب گناه بزرگی شده‌اید. حال من به بالای کوه می‌روم تا در حضور خداوند برای شما شفاعت کنم. شاید خدا از گناهان شما درگذرد» (خروج، ۳۲: ۳۰).

راهکار ۱) امیدپروری

اساساً پیشنهاد راه‌حل‌های خروج از بحران به مردم، امید حرکت و انگیزه مشارکت در جامعه را افزایش می‌دهد (حسینی، ۱۳۸۱، ص ۴۲). در همین زمینه، یکی از اقدامات مستمر حضرت موسی علیه السلام در مبارزه با گوساله‌پرستی،

«امیددهی» به پیروان خود با ادبیات گوناگون بود. برای نمونه، به پیروانش یادآور شد: «فَتَوْبُوا إِلَيَّ بَارِكُمْ... ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (بقره: ۵۴). در این سخن‌ها خبر پذیرش توبه هم وجود دارد. در سوره نساء نیز درباره پذیرش توبه آنان آمده است: «فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ» (نساء: ۱۵۳). در عهد عتیق به این پذیرش توبه و امیدپروری تصریح نشده است.

راهکار ۲) امتنان یا اعطای مجدد

امتنان الهی به بنی اسرائیل در قالب سه نوع نعمت بود: نجات، اعطای برنامه زندگی (تورات) و تأمین رزق آنان. از این رو معلوم می‌شود که هر سه، از نعمت‌های بزرگ الهی است. موسای کلیم علیه السلام بعد از رؤیت بت‌پرستی بنی اسرائیل از روی تأسف، الواح تورات را انداخت و شکست (اعراف: ۱۵۰؛ خروج ۳۲: ۱۹). اما بعد از توبه بنی اسرائیل، خداوند آن را دوباره اعطا نمود (اعراف: ۱۵۴؛ خروج، ۳۴).

۲. اصل یادگیری از بحران

یکی از اصول رهبری بحران، یادآوری ابعاد شکل‌گیری بحران به مردم است تا از این طریق اذهان گرفتار در بحران را از شک خارج سازد تا بتوانند در فضایی روشن تصمیم درست بگیرند. قرآن می‌فرماید: «فَأَقْصَصَ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»؛ این داستان‌ها را بازگو کن؛ شاید بیندیشند (اعراف: ۱۷۶). نیز می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ؛ در سرگذشت آنان، برای خردمندان عبرتی است» (یوسف: ۱۱۱). این یادآوری‌ها موجب تفکر و عبرت‌اندوزی می‌شود. خداوند به حضرت موسی علیه السلام دستور داد: «وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ» (ابراهیم: ۵).

در عهد عتیق سفر «تثنیه» که تکرار سرگذشت‌هاست، حضرت موسی علیه السلام به قومش یادآوری می‌کند که خدا چه الطافی به آنان داشته است. یکی از آنها همین داستان گوساله‌پرستی است (تثنیه، ۹: ۹-۱۸).

راهکار ۱) تبیین نقاط ضعف گوساله‌پرستی

یکی دیگر از تلاش‌های حضرت موسی علیه السلام در جهت رهبری بحران پیش‌آمده، تبیین نقاط ضعف و نقص جریان سامری به‌منظور سرکوب بحران است. آن حضرت هیچ‌بودن گوساله و بت را متذکر شد و فرمود: «أَفَلَا يَرَوْنَ الْأَبْرُجَ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَ لَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا؛ پس آیا نمی‌بینند که (این گوساله) برایشان پاسخی ندارد و مالک (هیچ‌گونه) سود و زبانی برای آنها نیست؟» (طه: ۸۹).

در عهد عتیق نیز با بیان اینکه حضرت موسی علیه السلام گوساله را از بین برد، به این مطلب اشاره کرده است (تثنیه، ۹: ۲۱؛ خروج، ۳۲: ۲۰).

راهکار ۲) تبیین نقاط قوت توحید

درحقیقت، این سیاست به این منظور انجام می‌شود که در کنار تبیین نقاط منفی و ضعف و نقص بت‌پرستی، نقاط مثبت و قوت فرهنگ توحیدی نیز به اثبات برسد تا از این رهگذر، شایستگی غلبه حق بر باطل محرز شود. به‌همین

منظور، حضرت موسی (ع) سامری را در برابر سوآلاتی قرار داد که وی را ناگزیر کرد به آنها پاسخ دهد و پاسخ به این سوآلات، درحقیقت اثبات کننده شایستگی خداوند برای پرستش است: «قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ؟» گفت: ای سامری! (منظور تو از) این کار بزرگ که کردی چیست؟» (طه: ۹۵)؛ «قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي؛» گفت: من به چیزی پی بردم که (دیگران) به آن پی نبردند: پس من مشتیی از آثار رسول را برگرفتم و آن را (در گوساله) افکندم و این‌گونه نفسم این کار را در نظرم بیاراست» (طه: ۹۶). در پایان، خطاب به قومش فرمود: «همانا معبود شما الله است که معبودی جز او نیست (و) علم او همه چیز را فراگرفته است» (طه: ۹۸). چنین چیزی در تورات یافت نشد.

۳. اصل مطالعه بحران

شناخت عوامل ایجادکننده بحران یکی از مهم‌ترین اقدامات رهبران در رهبری بعد از بحران است؛ زیرا مشخص شدن عوامل ایجادکننده بحران به شناسایی علت ایجاد بحران کمک می‌کند. در ماجرای گوساله‌پرستی قوم حضرت موسی (ع) مشاهده می‌کنیم که آن حضرت پس از ثابت شدن بی‌گناهی برادرش هارون و شناسایی سامری به‌عنوان عامل ایجادکننده بحران، شروع به بازجویی از سامری کرد. با تجزیه و تحلیل شیوه شکل‌گیری بحران، می‌توان اقدامات لازم را برای جلوگیری از بحران‌های مشابه به‌عمل آورد.

در عهد عتیق عامل بحران، هارون معرفی شده و از سامری سخنی به میان نیامده است.

راهکار ۱) کشف انگیزه ایجاد بحران

محاکمه سامری از سوی حضرت موسی (ع) با سؤال از انگیزه وی در ساختن گوساله با تعبیر «قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ؟» (طه: ۹۵) بیان شده؛ یعنی سبب کار و انگیزه تو چه بوده است؟ درحقیقت، این کار ریشه‌یابی بحران محسوب می‌شود. در عهد عتیق این خطاب متوجه هارون شده است (خروج، ۳۲: ۲۱).

راهکار ۲) کشف سبب انحراف مردم

حضرت موسی (ع) هنگام بازجویی بنی اسرائیل، علت انحرافشان را پرسید: آیا انحراف شما عامدانه بود و با آگاهی به سراغ قهر خدا رفتید؟ یا از روی غفلت به آن روی آوردید؟ آیا به خاطر اینکه سی‌روز غیبت من به چهل روز منتهی گردید، شما منحرف شدید؟ (مراغی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۱۳۹-۱۴۰). این آیه اشاره دارد که حتی اگر غیبت حضرت موسی (ع) سال‌ها طول کشد آیین خدا باید حفظ شود. چون گمراهی پس از هدایت و شرک‌ورزی پس از توحید، زمینه‌ساز گرفتاری به خشم سنگین و پایدار خداوند و عذابی سخت و طولانی از جانب اوست، از آنها سؤال کرد: آیا با این عمل زشت خود می‌خواستید غضب پروردگارتان بر شما نازل شود که با وعده من مخالفت کردید؟ کشف ریشه‌ها و زمینه‌های بحران علاوه بر حل آن، موجب اتخاذ تدابیری می‌شود تا جامعه در آینده از این ناحیه نلغزد.

بنابر توحید در عبودیت - که تنها خداوند سزاوار عبودیت است - عبادت گوساله در میان بنی اسرائیل شرک محسوب می‌شود. خداوند متعال در آیات فراوانی نسبت به پرهیز از گرایش به شرک و ظلم به نفس هشدار داده است. از این نظر، یکی از اصول جاری در رهبری پس از بحران گوساله‌پرستی، اصل «مقابله» است؛ زیرا قبلاً به آنها در خصوص مسئله توحید سفارش‌ها و اقدامات لازم (معجزات و نشانه‌ها) شده بود. این اصل به روشنی از قرآن و عهد عتیق به دست می‌آید.

راهکار (۱) تصویرسازی منفی از فعل شرک‌آمیز

این راهکار شامل مجموع سیاست‌هایی است که با هدف منع، تعریف و اجرایی می‌شوند (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۲۹-۴۳). این راهکار در بحران سامری، در واکنش به اقدام وی در ساختن گوساله و بنی اسرائیل در پرستیدن گوساله طراحی شده است. در واقع، به مجموع تلاش‌های موسای کلیم علیه السلام برای غیر موجه جلوه دادن فعل سامری و بنی اسرائیل گفته می‌شود. در قرآن کریم آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيِّئًا لَّهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ دَلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ؛ کسانی که گوساله را (معبود خود) قرار دادند به‌زودی خشم پروردگارشان و ذلت در زندگی دنیا به آنها می‌رسد، و اینچنین کسانی را که (بر خدا) افترا می‌بندند کیفر می‌دهیم!» (اعراف: ۱۵۲).

در عهد عتیق نیز آمده است: «و یهوه به موسی گفت: این قوم را دیده‌ام و اینک قوم گردنکش می‌باشند. و اکنون مرا بگذار تا خشم من بر ایشان مشتعل شده ایشان را هلاک کنم و تو را قوم عظیم خواهم ساخت (خروج، ۳۲: ۹ و ۱۰).

راهکار (۲) برجسب‌زنی

حضرت موسی علیه السلام برای اینکه افکار عمومی را کنترل نماید و نسبت به نفوذ بیش از حد اعتقاد به شرک مصونیت ایجاد کند، کوشید تا با جاهل خواندن اعتقاد به شرک «... إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» (اعراف: ۳۸) جهل را زمینه فرهنگی گناه معرفی کند. همچنین با مجسمه خواندن گوساله «...جَسَدًا لَهُ خُور...» (اعراف: ۱۴۸) و اینکه نه حرف می‌زند و نه هدایت می‌کند «...أَنَّهُ لَا يَكَلِّمُهُمْ وَ لَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا...» (اعراف: ۱۴۸)، تصویرسازی مکملی را در کنار تصویر طرد اجتماعی عامل فتنه «قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ...» (طه: ۹۷) معرفی کند.

در عهد عتیق این راهکار ارائه نشده است - بلکه همچنان که اشاره شد - فقط به خشم یهوه در این‌باره اشاره می‌شود که این موارد جامعیت قرآن را نشان می‌دهد.

راهکار (۳) بی‌اعتبارسازی

قدرت بر پاسخ‌گویی و اجابت خواسته‌ها و توان نفع و ضرررسانی از جمله ویژگی‌های لازم برای معبود حقیقی است. حضرت موسی علیه السلام با اشاره به همین مطلب که گوساله چنین توانی ندارد (طه: ۸۹؛ اعراف: ۱۴۸) کوشید

تا عجز و بی‌اعتباری معبودهای ساختگی را به یک آموزه بینشی عمومی تبدیل سازد. از سوی دیگر، سعی در معرفی پروردگار حقیقی داشت و فرمود: معبود شما فقط خدایی است که جز او معبودی نیست و علم او همه چیز را فراگرفته است (طه: ۹۸). در عهد عتیق در این زمینه، فقط به ناپود کردن گوساله اشاره شده است و چنین تصریحی در آن وجود ندارد.

راهکار ۴) پاک سازی

یکی دیگر از روش‌های موسای کلیم علیه السلام شیوه «هریمن‌سازی» است. با توجه به عمق فتنه سامری در پی ایجاد انحراف و کجروی در میان بنی‌اسرائیل، حضرت موسی علیه السلام وی را تبعید کرد: «فَأَذْهَبَ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ ان تَقُولَ لِمِاسَاسَ» (طه: ۲۰، ۹۷)؛ (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱، ص ۲۴۰؛ شوکانی یمنی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۸۳؛ طباطبائی، ۱۴۲۵ق، ج ۱۴، ص ۱۹۷). برخی نیز گفته‌اند: حضرت موسی علیه السلام به بنی‌اسرائیل فرمان داد تا همنشینی و سخن گفتن و غذا خوردن با سامری را ترک گویند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۶، ص ۲۵۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۴۷؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱، ص ۲۴۰). در نتیجه وی مجبور به ترک شهر شد. چنین چیزی در عهد عتیق وجود ندارد، هرچند برخورد با هارون در آنجا بیان شده است.

راهکار ۵) شفاف سازی

یکی از راهکارهای حضرت موسی علیه السلام «شفاف‌سازی» و ارائه اطلاعات دقیق از ماجرای بحران سامری بود. هدف از این اقدام آن است که رهبران ذی‌نفوذ نزد مخاطبان، دچار بی‌منزلفتی و تخریب چهره شوند و در واقع، ماهیت واقعی‌شان برای دیگران روشن گردد. در این ارتباط، حضرت موسی علیه السلام با اقدامات گوناگونی سعی کرد تا ماهیت شخصیت سامری بر ملا گردد؛ از جمله: برجسته‌نمایی فتنه اجتماعی او (طه: ۹۵)؛ معرفی وی به‌عنوان شخص فرصت‌طلب: «قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ... فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ» (طه: ۸۷). البته چنین چیزی در عهد عتیق یافت نشد. این راهکار با سه اقدام عملیاتی شد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

یک. تحقیرسازی منشأ بحران

«أَنْظِرْ إِلَى إِلَهِكَ الَّذِي ظَلَمْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لِنُحْرُقْتُهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا؛ بِنِجْرٍ بِهِ إِيْنِ مَعْبُودَتِ كِه پِیُوسْتِه اَن رَا پِرسْتَش مِی کِردِی! و بِنِین مَا اَن رَا نَخِست مِی سوزانِیم، سِپِس ذِرات اَن رَا بِه دریا مِی پاشِیم» (طه: ۹۷). «إِلَهِكَ» علاوه بر تحقیر معبود سامری، دلالت بر آن دارد که او خود نیز آن را به‌مثابه معبود پذیرفته بود. اما این معبود سوزانده و تحقیر شد. در عهد عتیق نیز سوزانده شدن و خرد شدن گوساله آمده است (خروج، ۳۲: ۲۰).

دو. ناپود سازی

تلاش برای کنترل یک پدیده، به‌گونه‌ای که هیچ اثری از آن در جامعه باقی نماند «امحا یا ناپودسازی» خوانده می‌شود که می‌تواند به افزایش ضریب امنیتی فرهنگ هدف کمک نماید (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۶،

ص ۴۹۳). سوزاندن گوساله سامری و ریختن سوخته آن به دریا، در برابر دیدگان سامری و دیگر مردم انجام گرفت. این کار القا کننده این آموزه است که چیزهای نابود شدنی شایستگی پرستش ندارند. همچنین این نابودسازی در منظر مردان انجام گرفت تا مبدا دوباره به آن گرایش یابند. نیز از تعبیر «لَتَحْرَقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي آيِمِّ نَسْفًا» (طه: ۹۷) روشن می‌شود که از بنی اسرائیل برای نابود ساختن آن یاری طلبید و بر شرکت دادن آنان در این اقدام مصمم بود. نکته دیگر اینکه حفظ فرهنگ اصیل مردم از حفظ طلا و جواهر مهم‌تر است. گاهی باید برای ایجاد موج و مبارزه با منکر، اشیای قیمتی امحا شوند. اشاره شد که در عهد عتیق نیز سوزاندن و خرد کردن گوساله طلایی آمده است.

نتیجه‌گیری

«رهبری بحران» مجموعه‌ای از سیاست‌ها، راهکارها و اقداماتی است که به منظور پیشگیری، کنترل و بازسازی بحران صورت می‌گیرد. هدف اصلی نوشتار، شناسایی اصول و روش‌های رهبری بحران فرهنگی در سیره حضرت موسی علیه السلام بود. در بررسی‌های عمیق کیفی از منابع پژوهش اصولی، بنابر مراحل سه‌گانه بحران استنباط شد که هر اصلی ناظر بر روش‌هایی است که از آن بحث کردید. پس از بررسی سیره حضرت موسی علیه السلام معلوم شد بحران گوساله‌پرستی که توسط سامری ایجاد شده بود، یک بحران برای نظام دینی بنی اسرائیل و سیاست‌های توحیدی حضرت موسی علیه السلام به‌شمار می‌آمد. در حقیقت با استمداد از اصول و راهکارهای قرآنی و توراتی، می‌توان بر بحران‌های مشابه فائق آمد. با توجه به اصول و راهکارهای مطرح شده در قرآن کریم و تورات، روشن می‌شود که قرآن کریم در ارائه اصول و راهکارها، جامع‌تر و کامل‌تر است. همچنین قرآن کریم مهیمن بر کتب انبیای قبل از خود است، به‌گونه‌ای که در صورت اختلاف بین آنها و قرآن کریم، فصل‌الخطاب قرآن کریم خواهد بود.

منابع

- کتاب مقدس، ۲۰۱۴م، ترجمه هزاره نو، لندن، ایلام.
- الوسی، محمود بن عبدالله، ۱۴۱۷ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- افتخاری، اصغر و همکاران، ۱۳۸۸، *قدرت نرم و سرمایه اجتماعی*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- هیوز، آون، ۱۳۸۸، *مدیریت دولتی نوین*، ترجمه الوانی، خلیلی شورینی و معمارزاده، چ دهم، مروارید.
- تاجیک محمدرضا، ۱۳۸۴، *مدیریت بحران*، چ دوم، تهران، فرهنگ گفتمان.
- _____، ۱۳۸۲، «*تأملی آسیب‌شناختی بر فرهنگ در ایران امروز*»، در: مجموعه مقالات همایش سیاست‌گذاری و فرهنگ در ایران امروز، به کوشش مجید وحید، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- حسینی، حسین، ۱۳۸۱، *رهبری و انقلاب: نقش امام خمینی در انقلاب اسلامی ایران*، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- رؤیایی، رضاعلی و اسحاق رسولی، ۱۳۸۷، «*الزامات سیاست‌گذاری فرهنگی در سطح ملی*»، در: برنامه‌ریزی فرهنگی (۲)، به کوشش سیدرضا صالحی امیری، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی.
- شوکانی یمینی، محمد بن علی، ۱۴۱۴ق، *فتح القدر*، بیروت، دار الکتب الطیب.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۲۵ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه المدرسین الحوزة العلمیة، مؤسسه النشر الاسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چ سوم، مقدمه محمدجواد بلاغی، تهران، ناصرخسرو.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفه.
- عبدالله‌خانی، علی، ۱۳۸۶، *امنیت بین الملل (۱): فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- فخر رازی، محمد عمر، ۱۴۱۳ق، *التفسیر الکبیر*، چ چهارم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- قاسمی، محمد جمال‌الدین، ۱۳۹۸ق، *تفسیر قاسمی (محاسن التأویل)*، چ دوم، بیروت، دارالفکر.
- قدیری ایبانه، ۱۳۸۵، «*نقش روابط عمومی‌ها در مهار بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی*»، *روابط عمومی*، ش ۴۳، ص ۲۲-۳۱.
- قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد، ۱۴۰۵ق، *تفسیر القرطبی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- کاوسی، اسماعیل و همکاران، ۱۳۸۷، «*بررسی واگذاری فعالیت‌های فرهنگی به بخش غیردولتی و ارائه راهکار مناسب با توجه به برنامه سوم و چهارم توسعه*»، در: برنامه‌ریزی فرهنگی (۲)، به کوشش سیدرضا صالحی امیری، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، *الکافی*، قم، دارالحدیث.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۳، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، تهران، اسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۵، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- وردی‌نژاد، فریدون و شهلا بهرامی رشتیانی، ۱۳۸۸، *مدیریت بحران و رسانه‌ها*، تهران، سمت.
- هریسون، جفری و جان کارون، ۱۳۷۸، *مدیریت استراتژیک*، ترجمه بهروز قاسمی، تهران، آبتین.
- Devlin, Edward S., 2007, *Crisis Management Planning and Execution*, Auerbach Publications.
- Harold W, Boles, James A. Davenport, 1975, "Introduction to Educational Leadership", Harper & Row, p.220
- Krieger, Jocl (ed), 1996, *The Oxford Companion to Politics of the World*, Oxford & N.Y, OUP.
- Mautncr, Thomas, 1996, *A Dictionary of Philolosophy*, Cambridge, Blackwell.

- Mitroff, I.I., Pearson, C. and Pauchant, T.C., 1992, *Crisis management and strategic management: similarities, differences and challenges*, In Shrivastava, P. (Ed.), "Advances in strategic Management, JAI Press.
- Pearson, C., & Clair, J., 1998, *Reframing crisis management*, Academy of Management Review, Vol.23, p.59-76.
- Raphael, A & Raphael, B., 1986, *When Disaster Strikes, Basic Books*, The University of Michigan.
- Reese, William L., 1996, *Dictionary of Philosophy and Religion*, New Jersey, Humanities Press.
- Seeger, M. W.; Sellnow, T. L., & Ulmer, R. R., 1998, "Communication, organization and crisis", *Communication Yearbook*, Vol.21, p.231-275.
- Serrano , Carlo A., 2020, *Biblical Principles for Resilience in Leadership*, Theory and Cases Christian Faith Perspectives in Leadership and Business, Springer Nature.
- Steve Firestone, 2020, *Biblical Principles of Crisis Leadership*, The Role of Spirituality in Organizational Response Christian Faith Perspectives in Leadership and Business, Springer Nature.
- Stoyan Nikolov Madzharov, 2006, *The challenges of the future and the increasing significance of crisis management*. WWW.Crisisnavigator
- Taylor, M., & Kent, M. L., 2007, "Taxonomy of mediated crisis responses", *Public Relations Review*, Vol.33, p.140-146.

